مقدمه

«کانون دین زرتشتی» و جایگاه آن در پژوهش‌های آیین زرتشت

هرچند که از زمان چاپ کتاب ارزشمند مری بویس[1] «کانون دین زرتشتی»[2] اکنون حدود چهل سال می‌گذرد، ذره‌ای از اهمیت این اثر برای مطالعات ایران‌شناسی و به ویژه در حوزه‌ی پژوهش‌های تاریخ و دین زرتشتی و البته فراتر از آن دین‌پژوهی، مردم‌شناسی و انسان‌شناسی کاسته نشده‌است.[3] اهمیت این پژوهش گرانقدر نه تنها در بیش و کم یگانه بودن آن در نوع خود

---

1. Nora Elizabeth Mary Boyce (1920-2006).

2. Mary Boyce, *A Persian Stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak Lectures,* 1975 (Oxford: Clarendon Press, 1977).

۳. از زمان چاپ این کتاب تا به امروز، نقدهای متعددی بر این کتاب نوشته شده است که در نگارش این مقدمه از آنها استفاده شده. این نقدها ازین قرار هستند:

Michael Fischer, 'Review of Boyce, Mary. A Persian Stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak Lectures, 1975. Oxford: Clarendon Press, 1977.', *Iranian Studies* 10, no. 4 (1977): 294–99; V. A. Demant, 'Review of Boyce, Mary. A Persian Stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak Lectures, 1975. Oxford: Clarendon Press, 1977.', *The Journal of Theological Studies* 30, no. 1 (1979): 394–96; Helen Rose Ebaugh, 'Review of Boyce, Mary. A Persian Stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak Lectures, 1975. Oxford: Clarendon Press, 1977.', *Journal for the Scientific Study of Religion* 18, no. 2 (1979): 220–21; Patricia J. Higgins, 'Review of Boyce, Mary. A Persian Stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak Lectures, 1975. Oxford: Clarendon Press, 1977.', *American Anthropologist* 81, no. 4 (1979): 938; Robert Rice, 'Review of Boyce, Mary. A Persian Stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak Lectures, 1975. Oxford: Clarendon Press, 1977.', *Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London* 42, no. 1 (1979): 154–55; Gert Hummel, 'Review of Boyce, Mary. A Persian Stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak Lectures, 1975. Oxford: Clarendon Press, 1977.', *Zeitschrift Für Religions- Und Geistesgeschichte* 31, no. 1 (1979): 123–25; John R. Hinnells, 'Review of Boyce, Mary. A Persian Stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak Lectures, 1975. Oxford: Clarendon Press, 1977.', *Religious Studies* 18, no. 1 (1982): 93–95; Richard N. Frye, 'Review of Boyce, Mary. A Persian Stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak Lectures, 1975. Oxford: Clarendon Press, 1977.', *Journal of Near Eastern Studies* 41, no. 1 (1982): 72; Nicholas Sims-Williams, 'Review of Boyce, Mary. A Persian Stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak Lectures, 1975. Oxford: Clarendon Press, 1977.', *Indo-Iranian Journal* 29, no. 2 (1986): 128–29; James R. Russell, 'Review of →

(سندی که بیشتر نشان ضعف پژوهش‌های ایران‌شناسی در تولید ادبیات در این حوزه است)، که هم در یگانه بودن اطلاعات مستندنگارانه‌ی آن در مورد تاریخ شفاهی، آیین‌ها و باورهای مردمانی در برشی از تاریخ معاصر ایران است که درباره‌شان چیزی نمی‌دانیم. تنها اثر تا حدی قابل مقایسه با این کتاب، کتاب «یک‌سال در میان ایرانیان»[۴] (چاپ نخست در ۱۸۹۳) ادیب و ایران‌شناس انگلیسی، ادوارد براون است که هفتاد سال پیش از دیگر هموطن ایران‌شناس خود مری بویس، و البته نه به عنوان یک متخصص مطالعات زرتشتی، در فصل‌های مربوط به بازدیدش از شیراز، یزد و کرمان، شرحی از مشاهدات خود از زندگی و بعضی باورها و آیین‌های زرتشتیان آن عصر ارایه می‌دهد. براون در سفر خود به یزد، امکان ملاقات و همصحبتی با موبد بزرگ آن عصر، دستور تیرانداز را داشت. برخلاف بسیاری از کتاب‌ها و پژوهش‌هایی که درباره‌ی تاریخ کیش زرتشت و باورها و آیین‌های آن نگاشته شده، اهمیت اثر بویس حاصل ثبت پردقت و موشکافانه‌ی پژوهش‌ها، دیده‌ها و شنیده‌های مردم‌نگارانه‌ی مری بویس از سفر پژوهشی یک‌ساله‌ی او (۱۹۶۳–۶۴ میلادی) به یزد، کرمان، مزرعه‌ی کلانتر و به ویژه شریف‌آباد اردکان است که بویس، هفت ماه از سفر یک‌ساله‌ی خود را در آنجا گذراند. این گزارش‌ها نخست در سال ۱۹۷۵ و در قالب شش سخنرانی در رشته سخنرانی‌های «رَتَنبای کَرتَک»[5] در آکسفورد ایراد و نسخه‌ی کامل‌شده و مفصل آن در ۱۹۷۹ به صورت کتابی که اکنون برگردان فارسی آن در دسترس فارسی‌زبانان قرارگرفته، منتشر شد. این کتاب شرحی هوشمند و دقیق از زندگی دینی و آیین‌ها و مناسک زرتشتیان ایران به خصوص زرتشتیان شریف‌آبادِ اردکانِ یزد است که به دنبال گسترش شهرنشینی و به خصوص مهاجرت زرتشتیان از روستاها به شهرهایِ بزرگ و به ویژه تهران، امروزه جز این گزارش، اثر چندانی از آن به جای نمانده است. شریف‌آباد یزد تا سال‌های درازی همواره به عنوان مهمترین کانون حفظ باورهای سنتی و راست‌دین زرتشتی در ایران و محل اسکان موبدان موبد بزرگ برای چندین سده یا آنگونه که نام نسخه‌ی انگلیسی کتاب پیشنهاد می‌کند، «دژ

← Boyce, Mary. A Persian Stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak Lectures, 1975. Oxford: Clarendon Press, 1977.', *Journal of the Royal Asiatic Society* 3rd. Series. 1, no. 2 (1991): 293–94; Maria Macuch, 'Review of Boyce, Mary. A Persian Stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak Lectures, 1975. Oxford: Clarendon Press, 1977.', *Der Islam* 69 (1992): 171–73; Jamsheed K. Choksy, 'Review of Boyce, Mary. A Persian Stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak Lectures, 1975. Oxford: Clarendon Press, 1977.', *Iranian Studies* 26, no. 3/4 (1993): 433–34; Heribert Horst, 'Review of Boyce, Mary. A Persian Stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak Lectures, 1975. Oxford: Clarendon Press, 1977.', *Zeitschrift Der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 145, no. 1 (1995): 223.

4. Cf. Edward G. Browne, *A Year Amongst the Persians* (London: A. & Ch. Black, 1893).

5. Ratanbai Kartak Lectures, Oxford.

تسخیرناپذیر زرتشتی» بود. بویس از این‌رو به جستجوی ردپای زرتشت به شریف‌آباد رفت و پژوهش خود را بر چند عامل اساسی سنت دینی، از آن‌جمله بر مناسک و آیین‌های روزانه و کیهان‌شناسی زرتشتی و البته تعامل این عناصر با هم متمرکز کرد. چنین نگاهی او را بیش از پیش در برساختن شخصیت تاریخی زرتشت به عنوان یک پیامبر- موبد، همزمان نوآور و سنت‌مدار متقاعد کرد.[۶] برساخته‌ی وی از دین زرتشتی، امتداد همگونی از سنتی دیرپا و دست‌نخورده بود که در یک سوی آن زرتشت تاریخی و در سوی دیگر آن سنت زنده‌ی روستاییان زرتشتی شریف‌آباد (و روستاهای مجاور دیگر) در امتدادی ناگسسته و بی‌تغییر در طول هزاره‌های گذشته بر آن قرار می‌گرفت.

اهمیت یگانه‌ی دیگر و متاسفانه کم‌پیرو مطالعه‌ی مردم‌نگارانه‌ی بویس از زندگی و باورهای روستاییان زرتشتی شریف‌آباد، در آشتی‌دادن نگاه مردم/انسان‌شناسانه با پژوهش‌های دین‌شناسانه بود و هست؛ در پیوند میان آنچه از آن به عنوان «دانش کتابخانه‌ای یا میزتحریری» از یک سو و تحقیق «میدانی» از سویی دیگر می‌توان نام‌برد، گوهری کمیاب در میان دست‌کم پژوهندگان مطالعات زرتشتی. سویه‌ی دیگر این دوگانه را هم می‌توان در تضاد دونگاه «شرق‌شناسانه» و «انسان‌شناسانه» حاکم بر مطالعات ادیان دید. ویژگی‌های شاخص نگاه گروه اول را می‌توان در چهار پیش‌فرض تعصب‌آمیز خلاصه کرد[۷]: ۱. اشتراک میان دو رسم یا آیین مشترک میان زرتشتیان و مسلمانان، نتیجه‌ی قدمت پیشااسلامی آن رسم یا آیین است؛ ۲. آنچه برای یک دین حیاتی و مهم است، در طول زمان یا تغییر نمی‌کند و یا تغییرات بسیار ناچیز هستند؛ ۳. تاکید بر تعریف یک دین بر اساس یک ساختار متعارف فقهی و کم‌اهمیت دانستن تاثیر تفاوت‌ها و کشمکش‌های درون‌گروهی؛ و ۴. لحن پوزش‌آمیز درباره‌ی آنچه که از نگاه امروزی و مدرن، حساسیت‌آمیز یا غیرعقلانی به نظر می‌رسد. هرچند که مطالعه‌ی دقیق کتاب بویس، نشانه‌هایی از چنین نگاه «شرق‌شناسانه‌ای» را همچنان در لابلای تحلیل‌های نویسنده پیش چشم می‌آورد، اما اندک بودن و تلاش نویسنده در تشریح و تحلیل موارد، از اهمیت این اثر نمی‌کاهد. نگاه بویس به دین زرتشت، آنگونه که آلبرت دویونگ[۸]، آثار پژوهشگران مطالعات زرتشتی را دسته‌بندی می‌کند، رویکردی «هماهنگ‌انگارانه»[۹] دارد. براساس ایده‌ی «محافظه‌کار بودن» سنت

---

6. Cf. Mary Boyce, 'Zoroaster the Priest', Bulletin of the School of Oriental and African Studies 33, no. 1 (1970): 22–38.
7. Cf. Fischer, 'Review of Boyce, Mary. A Persian Stronghold of Zoroastrianism. Based on the Ratanbai Katrak Lectures, 1975. Oxford: Clarendon Press, 1977.', 294–295.
8. Cf. Albert de Jong, Traditions of the Magi: Zoroastrianism in Greek and Latin Literature, vol. 133, Religions in the Graeco-Roman World (Leiden: E. J. Brill, 1997), 49–57.
9. "Harmonising approach", cf. Ibid., 133:53.

«راست‌دینی» زرتشتی بود که او تصویری از تحول خطی دین از زرتشت تا امروز ترسیم می‌کرد که عنصر محافظه‌کارانه‌ی راست‌دینی زرتشتی، آن را از تغییرات بنیادین مصون نگه‌داشته و به این ترتیب، دانسته‌های ما از اوستای کهن تا متون پهلوی و سنت زنده‌ی زرتشتی، بی‌توجه به تاریخمندی و بافت اجتماعی و سیاسی زمانه‌شان، امکان بازسازی تصویری همگون از دین زرشتی را ممکن می‌سازد.[۱۰] بویس به شدت تحت تاثیر شباهت‌هایی که میان ایده‌های مندرج در گاهان (از نظر زبانی، کهن‌ترینِ نوشته‌های اوستا) با باورهای زرتشتیان شریف‌آباد یزد و دیگر روستاهای زرتشتی‌نشین دیده بود، عمیقا به این نظر باور داشت که باورهای مذهبی آیین زرتشت، بیش و کم بی هیچ تغییری در تداومی ناگسسته و همگون از آغاز تا به امروز به ما رسیده و اینگونه مجال چندانی برای توجه به عنصر مهم «تغییر» و «تطور» باورها و آیین‌های دینی در گذر زمان باقی نمی‌ماند، عنصر مهمی که اصل تردیدناپذیر مطالعات مردم‌شناسانه و انسان‌شناسانه در دین‌پژوهی است. در نگاه بویس تنها نخست تغییر تقویم در دوره‌ی ساسانی که مفهوم جشن‌های فصلی زرتشتی را دگرگون و در نتیجه آن‌ها را در ساختاری «آیین‌وندانه»[۱۱] محدود و محصور کرد و دودیگر فرایند تحلیل و حذف سنت‌ها و مناسک دینی، در اثر مدرنیسم و شهرنشینی و به خصوص تاثیر گفتمان استعماری و میسیونری در سده‌ی بیستم بود که سنت پیوسته و همگون زرتشتی را از آغاز تا امروز متاثر کرد. چنین پیش‌فرضی را می‌توان در تمامی آثار بویس و به ویژه در تک‌نگاری مهم وی «تاریخ کیش زرتشت»[۱۲] به وضوح مشاهده کرد. چنین رویکردی که بویس از پرچم‌داران مهم آن بود و می‌توان از آن به عنوان رویکردی «ذات‌گرایانه»[۱۳] نیز یادکرد، عملا مطالعات زرتشتی نیمه‌ی دوم سده‌ی بیستم را به شدت تحت تاثیر خود قرار داد.

آنچه اما این کتاب را همچنان برای مطالعات زرتشتی مهم و مفید می‌سازد، در شرح دقیق و موشکافانه‌ی بویس از گستره‌ی متنوعی از آیین‌های دینی است که توسط موبدان و مردم عادی با برداشت‌ها و فهمی متفاوت از چرایی و چگونگی این آیین‌ها اجرا می‌شوند و زندگی روزانه‌ی باورمندان این دین کهن را شکل می‌دهد. زندگی‌ای بر اساس فهمی متعالی از عالم هستی و جهان

---

۱۰. برای نقد متقنی درباره‌ی رویکرد بویس به مطالعات زرتشتی بنگرید به .Ibid., 133:53–57

11. Ritualistic.

12. Mary Boyce, A History of Zoroastrianism: Vol. I. The Early Period, Handbuch Der Orientalistik 8 (Leiden: E. J. Brill, 1975); Mary Boyce, A History of Zoroastrianism: Vol. II. Under the Achaemenians, Handbuch Der Orientalistik 8 (Leiden: E. J. Brill, 1982); Mary Boyce and Frantz Grenet, A History of Zoroastrianism: Vol. III. Zoroastrianism under Macedonian and Roman Rule, Handbuch Der Orientalistik 8 (Leiden: E. J. Brill, 1991).

13. Cf. Philip G. Kreyenbroek, 'Zoroastrianism', in Handbuch Der Iranistik, ed. Ludwig Paul (Ludwig Reichert Verlag, 2013), 156.

ماورای آن که ابعاد اخلاقی عمیقی برای فهم دینی زرتشتیان از اهمیت اجرای آیین‌ها و مناسک پدید می‌آورد. تصویر زنده و صمیمانه‌ای که بویس از زندگی ساده و عمیقا راست‌دلانه و آیین‌وندانه‌ی روستاییان زرتشتی شریف‌آباد ارایه می‌دهد، خواندن این کتاب را برای غیرمتخصصین و خوانندگان عادی بسیار جذاب می‌سازد. تصویری که از زندگی روستاییان بهدین و به خصوص از میزبانان و همراهان بویس در دوره‌ی پژوهش او در شریف‌آباد، خانواده‌ی بلیوانی و دستور خداداد شهریار نیروسنگی (موبد بزرگ شریف‌آباد و فرزند دیگر موبد بزرگ یزد، موبد شهریار نامدار)، که بویس اجازه‌ی همراهی او را در سفرهای روزانه و در زمان اجرای مراسم و رسیدگی به وظایف موبدی‌اش داشت، منبع ارزشمندی برای پژوهش در باورها و آیین‌های معاصر زرتشتی است.[۱۴]

کتاب با مقدمه‌ای کوتاه درباره‌ی پیشینه‌ی تاریخ دین زرتشت و توضیح روشنی درباره‌ی چرایی حضور زرتشتیان در شهرهای حاشیه‌ی کویر آغاز می‌شود. هرچند که تاریخ‌نگاران، پیروزی اعراب مسلمان در ۶۳۹ و ۶۴۲ میلادی بر یزدگرد سوم (۶۵۱-۶۳۳ میلادی) را پایان رسمی شاهنشاهی ساسانی در نظر می‌گیرند، فرایند فتح ایران و تبدیل اسلام به دین رسمی ایران‌زمین، نه یک‌شبه که زمانی در حدود سه سده به درازا کشید. در طی این زمان، زرتشتیانی که دست از دین اجدادی خود نکشیدند و ایران را نیز به مقصد وطن جدیدشان هند، ترک نکردند، به مرور به طرف شرق و به سمت حاشیه‌ی کویر رانده شدند و نهایتا در حوالی یزد و کرمان سکنی گزیدند. به نظر می‌رسد که آنان آتش بهرامِ مقدسِ فارس یعنی «آذر فَرنبَغ» و آتش بهرامِ مقدسِ شاهیِ استخر را با خود به ترک‌آبادِ میبد آوردند، محلی که از سده‌ی یازدهم تا هژدهم میلادی، و سپس به شریف‌آباد، که از سده‌ی نوزدهم میلادی تا زمان جنگ جهانی دوم، به عنوان مراکز مهم اقامت موبدان‌موبد و دیگر دستوران بزرگ، اهمیت زیادی پیدا کرده بودند. سده‌ی بیستم میلادی اما آغاز افول دودمان‌های بزرگ، کم‌شدن ناگهانی جمعیت زرتشتیان و به ویژه موبدان و کم‌رنگ شدن نقش آیین‌های سنتی در زندگی روزمره‌ی زرتشتیان ایران بود. تنها در شهر یزد، از دویست موبد زرتشتی در سال‌های دهه‌ی ۱۹۳۰ میلادی، کمتر از ده موبد در سال ۱۹۶۴ میلادی باقی مانده بودند. فصل اول و چهارم کتاب به آتش‌های مقدس به عنوان نقطه‌ی تمرکز بسیاری از آیین‌های زرتشتی، آتشکده‌ها و آیین‌های مربوط به آن می‌پردازد. فصل دوم کتاب به بررسی باورهای

۱۴. تصویر روانشاد موبد خداداد شهریار نیروسنگی (۱۳۶۱-۱۲۷۹ خورشیدی) در چاپ اصلی کتاب، زینت‌بخش جلد کتاب هست. موبد شهریار نیروسنگی، فرزند موبد خداداد شهریار نیروسنگی، مدتی موبدی محله‌ی شریف آباد، مزرعه کلانتر و حسن‌آباد میبد را برعهده گرفت و پس از بازنشستگی، هم‌اکنون آتشبندی و موبدی درب مهر ارباب رستم گیو در رستم باغ تهران پارس را به‌عهده دارد. برای این اطلاعات وامدار مهر و دانش بی‌دریغ موبدان موبد دستور مهربان فیروزگری هستم که عمرش دراز باد.

بنیادین زرتشتی و پرستش اهورامزدا، آفرینش و... و فصل پنجم کتاب به قوانین، آیین‌ها و مناسک پاکیزگی و تطهیر اختصاص دارد. فصل پنجم و فصل ششم که به آیین‌ها و مراسم مرگ و نقش آیینی سگ در مناسک پس از مرگ می‌پردازد، گزارش خواندنی و مهمی از زندگی آیینی زرتشتیان آن عصر را عرضه می‌کند. مکمل این فصل، فصل هشتم کتاب است که به آیین‌ها و مراسم مرتبط با کفاره برای زندگان و درگذشتگان اختصاص یافته. فصل سوم کتاب به آیین‌ها و مناسک شخصی، فصل هفتم درباره‌ی آیین‌های سال نو و جشن سده، فصل نهم جشن‌های دینی پایان و آغاز سال و فصل دهم آیین‌ها و مناسک تشرف و زیارت اختصاص یافته.

بخش مهم و بزرگ کتاب آنگونه که عنوان شد، به شرح آیین‌ها و مناسک زرتشتی اختصاص دارد. شرح دقیق و زنده‌ی برای مثال آیین تطهیر طولانی و پیچیده‌ی «برشنوم نُه‌شَبه» در شریف‌آباد (فصل پنجم)، نه تنها تصویر زنده و روشنی از اجرای این مراسم در ایران آن عصر به دست می‌دهد، بلکه اهمیت ثبت آن وقتی بیشتر آشکار می‌شود که به یاد بیاوریم که از اجرای این آیین، در زمانی کمتر از یک دهه بعد از مشاهدات بویس، وقتی انسان‌شناس امریکایی مایکل فیشر که در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ در یزد به کار و پژوهش مشغول بود، جز خاطره‌ای باقی نمانده بود.[۱۵] در مثالی دیگر، گزارش بویس، سندی پر ارزشی از فرایند تطور سنت‌های دیگری است، همچون جایگزینی شراب به جای نیرنگ، زیر فشار «اصلاح‌طلبیِ» پارسیانِ هند و تمام شدن ذخیره‌ی نیرنگی که هنوز در زمان بویس از آن استفاده می‌شد (آخرین تقدیس گُمیز، چهل سال پیش از سفر بویس در سال ۱۹۲۱ در گهمبارخانه‌ی یزد انجام شده‌بود) و همین‌طور فرایند جایگزینی سنت دخمه‌گذاری با سنت دفن خاکی. اهمیت کم‌نظیر و تکرارنشدنی گزارش بویس را می توان در مثال‌هایی دیگر از تقابل میان ارزش‌ها و امکانات دنیای مدرن با جهان آیینی و سنتی روستیان زرتشتی، تاثیر مهاجرت زرتشتیان ایران به بمبئی از پایان سده‌ی نوزدهم، گسترش آموزش عمومی و شهرنشینی و... و تاثر این تقابل در تطور آیین‌هایی مثل مناسک پیچیده و طولانی تطهیر زنان دشتان دید. تقابلی که سوال اخلاقی و به تبع آن تغییری بنیادین در کنارگذاشتن بسیاری از آیین‌های طهارت را برای جامعه‌ی دینی زرتشتی به دنبال داشت. گزارش پرارزش بویس، سند مهمی از چگونگی تاثیر همدینانِ پارسی و فشار آنان برای مجبور کردن زرتشتیان ایران به ترک

۱۵. مایکل فیشر در پایان‌نامه‌ی دکتری خود به موضوع اسطوره و تداوم حضور آن در آیین‌ها و زندگی امروزه‌ی زرتشتیان پرداخت و در مقاله‌ی دیگری موضوع اماکن مقدس و مفهوم آن میان زرتشتیان و شیعیان را مورد بررسی قرار داد.

Michael M. J. Fischer, 'Zoroastrian Iran between Myth and Praxis' (PhD Dissertation, University of Chicago, 1973); Michael M. J. Fischer, 'Sacred Circles: Iranian (Zoroastrian and Shi'ite Muslim) Feasting and Pilgrimage Circuits', in Sacred Places and Profane Spaces: Essays in the Geographies of Judaism, Christianity, and Islam, ed. Jamie Scott and Paul Simpson Housley (Westport, CT: Greenwood Publishing, 1991), 131– 44.

آیین‌های قربانی گاو در زیارتگاه پارس‌بانو یا منع پیشکش چربی حیوانی به آتش مقدس است. سندی بر اینکه، سنت زرتشتی ایرانی در مقایسه با سنت پارسی، بسیار دست‌نخورده‌تر باقی‌مانده بود. شاهد دیگر این مدعا، پژوهش‌های جدید نسخه‌شناسی اوستا است که تصویر روشنی از زنده بودن و تنوع آیین‌هایی است که تنها در نسخه‌های ایرانی اوستا در دسترس هستند.[۱۶]

اما آنگونه که پیش از این گفته‌شد و به رغم تمام نقدهایی که به درستی به این اثر وارد است، کتاب «کانون دین زرتشتی»، از بسیاری جهات کتابی متفاوت و بسیار مهم است که بسیار کمتر از آنچه که باید در مجامع علمی و دانشجویی و به خصوص در ایران مورد توجه قرارگرفته یا اصلا خوانده شده‌است. ترجمه‌ی این کتاب به فارسی اتفاق خجسته‌ای است که امکان مطالعه و استفاده‌ی از آن را نه تنها برای پژوهشگران و دانشجویان مطالعات ایران‌شناسی و به‌ویژه پژوهش‌های زرتشتی سهل‌تر از پیش می‌سازد، پر ارزش بودن آن برای پژوهش‌گران و دانشجویان حوزه‌های انسان‌شناسی، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی و ادیان نیز نباید از دید پنهان بماند. و صد البته خوانندگان عمومی علاقه‌مند به تاریخ و احوال اقوام و ادیان نیز متنی خواندنی و جذاب برای مطالعه در اختیار خواهند داشت.

چاپ این کتاب، گام نخست در چاپ برگزیده‌ی کتاب‌هایی به انتخاب سردبیر این مجموعه خواهد بود که تلاش دارد تا حد امکان، جای خالی ترجمه‌ی فارسی «کلاسیک»های مطالعات ایران‌شناسی را برای خوانندگان فارسی‌زبان پر کند.

شروین فریدنژاد
مرکز پژوهش‌های ایران‌شناسیِ فرهنگستان علوم اتریش، وین
بهار ۱۳۹۶ خورشیدی

---

16. Cf. Alberto Cantera, ed., The Transmission of the Avesta, Iranica 20 (Wiesbaden: Harrassowitz, 2012); Alberto Cantera, Vers une édition de la liturgie longue zoroastrienne: pensées et travaux préliminaires, Studia Iranica 51 (Paris: Peeters Press, 2014); Alberto Cantera, 'A Substantial Change in the Approach to the Zoroastrian Long Liturgy: About J. Kellens's Études Avestiques et Mazdéennes', Indo-Iranian Journal 59, no. 2 (2016): 139–85; Alberto Cantera, 'The Sacrifice (Yasna) to Mazdā. Its Antiquity and Variety', in Zoroastrian Flame: Exploring Religion, History and Tradition, ed. Alan Williams, Almut Hintze, and Sarah Stewart (London: I.B. Tauris, 2016), 61–76; Alberto Cantera, 'La Liturgie Longue En Langue Avestique Dans l'Iran Occidental', in Persian Religion in the Achaemenid Period, ed. Wouter Henkelman and Céline Redard, Classica et Orientalia 16 (Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 2017).